

مادری و زندگی حرفه‌ای برای استاد-پژوهشگران زن در دوران قرنطینه به‌ویژه برای کسانی که دارای کودکان کم سن و سال هستند بسیار دشوار است. پژوهشگری که در حال گذراندن دوره پسا دکتری خود در یکی از دانشکده‌های دانشگاه تهران است و هم‌زمان مسئولیت تدریس در کلاسی را در دانشکده‌اش برعهده دارد، تجربه خود را چنین روایت می‌کند که سختی کار برای من در ایام قرنطینه این بود که من و همسر هم‌زمان خانه‌نشین شدیم. کار همسر برنامه‌نویسی است. او کاملاً می‌تواند دورکاری کند و زمان کارش خیلی بیشتر از قبل شده است. اوایل به ما گفتند دانشگاه تعطیل است. کلاس‌ها تعطیل شدند و ایده‌ای برای برگزاری مجازی کلاس‌ها وجود نداشت؛ بنابراین دو هفته اول شدم مادری تمام‌وقت که باید از بچه چهارساله‌اش نگهداری کند و استرس داشته باشد که چگونه او را سرگرم کند. در گروه‌های مجازی مادرانی هم که عضو بودیم به ما فشار می‌آوردند. همه ایده‌هایی جدید برای بازی و سرگرمی داده و تأکید می‌کردند که بچه‌ها کمتر جلوی تلویزیون بنشینند. دائم خودم را قضاوت می‌کردم که آیا در مقایسه با دیگران به قدر کافی برای بچه‌ام مادری می‌کنم؟ بعد از یک هفته دانشگاه اعلام کرد که باید کلاس‌ها را آنلاین برگزار کنید؛ خیلی سخت بود. دانشگاه ترجیح می‌داد که کلاس‌ها به شکل ویدیویی برگزار شود اما برای من ممکن نبود چون نمی‌توانستم به فرزندم بگویم از این ساعات تا این ساعت من کلاس آنلاین دارم اصلاً به اتاق نیا. برای همین به این نتیجه رسیدم که یاورپوینت درست و روی هر اسلاید صدایم را ضبط کنم اما همین ضبط کردن هم با وجود بچه امر آسانی نبود. باید سعی می‌کردم زمان‌هایی ضبط صدا را انجام دهم که او سرگرم و ساکت بود. این پروسه برای من بسیار زمانبر بود؛ یعنی یک ضبط پنجاه و پنج دقیقه‌ای از من حداقل دو ساعت زمان می‌گرفت. از طرف دیگر چون هیچ راه تعامل دیگری هم نداشتم از دانشجویان می‌خواستم که تکالیفشان را ایمیل کنند. او می‌گوید زمان آزادش برای کار دوروز آخر هفته است که همسرش سر کار نمی‌رود و سعی می‌کند به بچه و کارهای خانه برسد تا او هم به کارهایش بپردازد. این «احساس گناه» برای مادر خوب بودن را پژوهشگران دیگری هم اظهار کرده‌اند. آنها میان تعهدات کاری و وظایف خانوادگی روزمره گیر کرده‌اند.

از بین رفتن امکانات حمایتی برای مادران شاغل

کرونا همچنین تمام امکانات حمایتی از مادران شاغل را گرفته است؛ تعطیلی مدرسه، مهد کودک و دسترسی نداشتن به پرستار بچه در کنار نبودن حمایت اجتماعی خانواده و دوستان باعث شده است که آنها حتی بیشتر از تعطیلات اجباری مثل آلودگی هوا دچار چالش شوند. یکی از استادان که مادر دو فرزند است گفته است: «ددلاین‌های آکادمی چندان جابه‌جا نشده است و ما مجبوریم همه کارهایی را که موظف به انجام آن هستیم، طبق روال انجام بدهیم. این در حالی است که دسترسی ما به مشارکت‌کنندگان در پژوهش بسیار کمتر شده است. من فکر می‌کنم کرونا به همه پژوهشگران یکسان آسیب وارد نکرده است؛ مثلاً پژوهشگران علوم اجتماعی که نیازمند کار میدانی هستند، بیشتر آسیب دیده‌اند.» بعضی از نگرانی‌های آنان هم با شاغلان حرفه‌های دیگر مشابه است: «وقتی بیماری‌ای پاندمی می‌شود، امکان اینکه ما دچار بیماری شویم خیلی زیاد است. ترس من این است که اگر من مریض بشوم و قرار باشد که قرنطینه بشوم، با توجه به وابستگی پسر من باید چکار کنم. من هیچ وقت از مرگ نمی‌ترسیدم اما الان فکر می‌کنم اگر چنین اتفاقی بیفتد چه بلایی سر پسر من می‌آید.» او که در یک خانه کوچک ۶۰ متری زندگی می‌کند، می‌گوید که کلاس‌های آنلاین خود و همسرش و همچنین مهدکودک آنلاین فرزندشان با هم تداخل پیدا می‌کند: «از ساعت ۹ صبح تا ۲ بعدازظهر پسر کلاس آنلاین دارد؛ بر روی اسکیپ و واتس‌آپ مرتب برنامه درسی‌اش می‌آید، بازی و کار دستی، شعر و قصه. کلاس اسکیپی دارند و گوشه من دائم درگیر این قضیه است. مجبورم برای کلاس‌های خودم یاورپوینت صوتی درست کنم. یک دستم به گوشه خودم است و کلاس‌ها مدیریت می‌کنم و حواسم به پسر هم هست. همسر هم کمک می‌کند. آن قدر پسر من به من وابسته است که این اجازه را نمی‌دهد که مدت طولانی در کنار او باشم.» کشاورز در این مقاله از تجربه تفاوت مردان و زنان هیأت علمی از تجربه یکی از اساتید مثال می‌آورد: «در یک جلسه اسکیپی یکی از همکاران می‌گوید کرونا دارد آموزش مجازی را جا می‌اندازد. کی فکرش را می‌کرد که این قدر سریع بتوانیم یادگیری مجازی داشته باشیم. به نظر من این از یک نگاه مردانه است، مردی که بچه کوچک ندارد و برایش مطلوب است و می‌تواند از صبح تا شب کارش را انجام دهد، جلسات و کلاس‌هایش را آنلاین برگزار بکند، مقالاتش را بنویسد و اتفاقاً خیلی هم برایش خوب است که بیرون نمی‌آید. برای من با پسری چهارساله و بدون کمک شرایط بسیار دشوار شده است. امیدوارم در آینده دانشگاه متوجه شود که به من هیأت علمی مادر مثل یک مردی که عضو هیأت علمی است، نگاه نکند. من الان تسهیلاتگر کودک هستم، هیأت علمی و مادر نیز هستم.»

تعلیق وضع استادان حق التدریس و مدعو

بخش دیگری از مقاله کشاورز درباره وضع استادان حق التدریس و مدعو است که به گفته او بخشی مهم از بار تدریس دانشگاه‌ها بر دوش آنهاست ولی در سلسله مراتب دانشگاهی موقعیتشان بسیار فرودست و بی‌ثبات است. آنها درآمد پایین را هم‌زمان با بی‌ثباتی تجربه می‌کنند: «برخی از استادان مدعو کسانی‌اند که متقاضی جذب همان دانشکده‌ای هستند که در حال حاضر در آن تدریس می‌کنند. به نظر می‌رسد بحران کرونا موقعیت بی‌ثبات و متزلزل این گروه را تشدید کرده است. البته باید خاطرنشان کرد که بحران کرونا در سطح جهانی به بی‌ثباتی بیشتری برای دستپایی به موقعیت حرفه‌ای در میان متقاضیان کار دامان زده است. روزنامه لوموند فرانسه در مقاله‌ای تحت عنوان دانشگاه، ویروس کرونا و پاندمی کووید-۱۹ به دانشجویانی پرداخته که در آستانه فارغ‌التحصیلی‌اند و به دلیل قرنطینه و تعطیلی بسیاری از بخش‌های اقتصادی با دشواری ورود به بازار کار روبه‌رو شده‌اند. برخی از این دانشجویان به دنبال طولانی‌کردن دوران تحصیل خود هستند تا بتوانند الحاق حرفه‌ای خود را به زمان بهتری منتقل کنند.» در ایران هم بسیاری از فارغ‌التحصیلانی که به جذب خود در دانشگاه‌ها امید داشتند احساس پا در هوایی می‌کنند. یکی از این متقاضیان در مقاله کشاورز گفته است که پروسه جذب بیش از قبیل طولانی می‌شود و برنامه‌ریزی برای تقویت رزومه‌اش به هم خورده است: «می‌توانستم در گروهی که امیدوارم در آن جذب شوم خودم را نشان دهم و ارزیابی دانشجویان را در پایان ترم داشته باشم. می‌توانستم با آنها در ارتباط باشم و کیفیت درس‌دادن خودم را بالا ببرم. همه اینها این ترم از من گرفته شده است. من به شکل مجازی می‌نشینم و با خودم صحبت می‌کنم و حتی چهره بچه‌ها را نمی‌بینم و نمی‌دانم آنها چقدر متوجه حرف‌هایی که می‌زنم می‌شوند. هیچ فیدبکی از آنها نمی‌گیرم.»

کشاورز در این مقاله نتیجه می‌گیرد که بحران کرونا و آنلاین شدن آموزش علاوه بر نگرانی از تعمیق نابرابری‌های آموزشی در میان دانشجویان، به کیفیت آموزش‌های ارائه‌شده هم صدمه می‌زند و آموزش عالی برای فراهم‌کردن امکان گسترده آموزش آنلاین آماده نبود و به‌خصوص این مسئله در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی که نیازمند بحث و گفت‌وگوی متقابل بیشتری بین استاد و دانشجویان است باعث شد استادان از نتیجه‌کار چندان راضی نباشند. □



خبرگزاری آنا

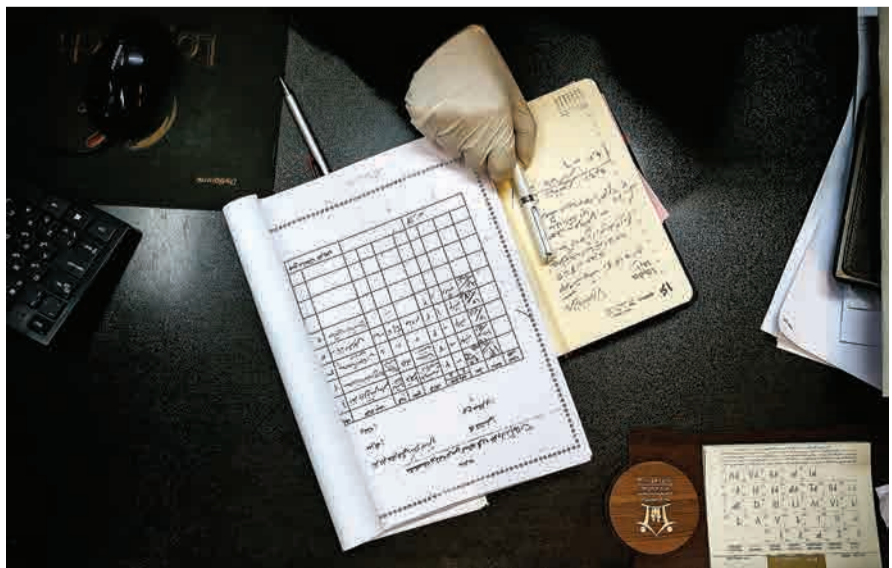
گزارشی از پژوهشی درباره تجربه استادان دانشگاه و پژوهشگران در ایام کرونا

کمرنگ شدن مرز کار و زندگی

[شهروند] کرونا فقط یک بیماری نیست که با جسم ما سر و کار داشته باشد و ناتوانی مان را به رخ بکشد. کرونا نشان داد که در زندگی، جامعه و ساختارهایمان چه کاستی‌هایی وجود دارد که نادیده گرفته شده یا از چشم مسئولان جا مانده و حل نشده است. بحران کرونا، قرنطینه پس از آن و منتقل شدن بعضی از کارها به خانه باعث شده است مرز بین کار و زندگی برای بسیاری کمرنگ شود و چالش‌هایی در کار و خانواده پیش بیاید. یکی از شکل‌هایی که بسیاری آن را تجربه کرده‌اند، کلاس‌های آنلاین است. تجربه دانشجویان، دانش‌آموزان و معلمان مدارس شنیده شده است، اما خواندن تجربه استادان دانشگاه و پژوهشگران زن در این دوران براساس مقاله‌ای که یکی از استادان نوشته است، داده‌های مهمی به ما می‌دهد.

خدیجه کشاورز، عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی که پیشتر هم در زمینه تجربه استادان زن دانشگاه پژوهش‌هایی انجام داده است، این ایده را در ایام کرونا بسط داده و مقاله‌ای در این باره نوشته که در کتاب «جستارهایی در آموزش عالی، علم و بحران کرونا در ایران» منتشر شده است. او در مقدمه این مقاله با عنوان «تجربه حرفه‌ای استاد-پژوهشگران زن از دوران کرونا» گفته است که به دنبال تجربه حرفه‌ای زنان دانشگاهی در روزهای قرنطینه و پیشبرد برنامه‌های آموزشی آنلاین و وظایف پژوهشی آنها بوده و داده‌هایش را از گفت‌وگوی تلفنی با استادان و پژوهشگران زن درباره تجربه‌شان در این روزهای دشوار جمع‌آوری کرده است.

یکی از تجربیات استادان در این مدت، برگزاری کلاس آنلاین بود. کشاورز ابتدا به بحث نابرابری آموزشی پیش‌آمده گریزی می‌زند: «این بحث که آنلاین شدن آموزش به گسترش نابرابری آموزشی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان منجر خواهد شد، یکی از دغدغه‌های آموزشگران و متخصصان آموزش در بسیاری از نقاط جهان است. دسترسی به کامپیوتر، اینترنت، دانش استفاده از ابزارهای مرتبط با آموزش آنلاین و نیز داشتن فضایی برای پیگیری متمرکز آموزش‌ها، از جمله مسائلی است که به تعمیق نابرابری‌های آموزشی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان منجر خواهد شد.» او نگاه او، این مسأله در بازتولید نابرابری‌های



زنان باید مصالحه کنند

بسیاری از کسانی که این روزها دورکاری کرده‌اند، مرز بین زندگی و کارشان از بین رفته است و گاه تنش‌هایی تجربه کرده‌اند. تجربه استادان دانشگاه هم در این زمینه بخشی از مقاله‌ای است که کشاورز نوشته است. او می‌گوید تنش بین کار و خانواده بر زندگی حرفه‌ای پژوهشگران و به‌خصوص اعتماد به نفس آنان تأثیر دارد و از پژوهش‌های پیشین یاد می‌کند: «پژوهشی سه‌ساله درباره پژوهشگران نهادی علمی در بلژیک که در آن هم‌زمان از روش‌های کیفی و کمی استفاده کرده‌اند، نشان می‌دهد که بخش مهمی از پژوهشگران، مسأله تنش بین کار و خانواده و تأثیر آن بر زندگی حرفه‌ای‌شان را تأیید کرده‌اند. به این ترتیب، مادران بیشتر از پدران، ضرورت مصالحه بین کار و خانواده را یکی از دلایل تغییر شغل خود می‌دانند. آنان اطمینان کمتری به آینده و کسب پستی ثابت در میدان دانشگاه دارند. به‌طور متوسط، پدران ۶۲ درصد و مادران ۴۲ درصد امیدوارند پست‌شان رسمی شود. بررسی این نتایج به منظور تحلیل تفاوت میان گروه‌های مختلف پژوهشگران با توجه به وضع زناشویی و داشتن یا نداشتن فرزند، خاطرنشان می‌کند که برای بالابردن شانسان عینی دستپایی به پستی ثابت، به نظر می‌رسد بهتر است زنان مجرد باشند و مردان متأهل و به‌خصوص دارای فرزند.» او در ادامه با توجه به نتایج گفت‌وگوهایش با مادران استاد-پژوهشگر در دوران قرنطینه به این نتیجه می‌رسد: «مصالحه میان